

# مارش رادتسکی

یوزف روت

ترجمه

محمد همتی

فرهنگ نشر نو  
بامکاری نشر آسیم  
تهران - ۱۳۹۷



## درباره یوزف روت و مارش رادتسکی

اصولاً شصت صفحه، دو هزاره کشور و پنجاه شهر،  
 بررسی تاریخی و تحقیقی از همه نوع درگیریها که  
 استرالیاییان در آن شرکت کردهاند، ماریچ، وایمار،  
 پروگدا، یوزف روت، فرانکو، فرانکو، فرانکو، فرانکو،  
 است مشخصات ساکنان، مراکز پلش، بیخارینها و  
 یک اطلاعاتی، اولش واقعاً معرشت را پس از دو روز  
 از دیدن بسیار جلوانی بر اقلیت بی گران شده مردم  
 سفرهای بالاسی از منطقه نیویورکس از کتابش  
 یوزف روت و یک زندگی نامه است پس از چهل سال هنوز  
 بی پایان کتاب را شایسته عنوان جامعترین زندگی نامه

## فهرست

۷	درباره یوزف روت و مارش رادتسکی
۲۵	سال شمار زندگی یوزف روت
۴۳	فصل اول
۲۰۳	فصل دوم
۳۳۹	فصل سوم
۴۶۱	پی گفتار
۴۷۱	یادداشتها

1. David Broder (1976)  
 2. David Broder, Apple  
 in World, 1974



## درباره یوزف روت و مارش رادتسکی

«صدوشصت مصاحبه در دوازده کشور و پنجاه شهر، بررسی بایگانی‌ها و تحقیقاتی از همه نوع در نیویورک، امستردام، وین، برلین، فرانکفورت، کلن، مارباخ، وایمار، پراگ؛ بررسی مدارک در وزارتخانه‌های آلمان، دفاتر ثبت مشخصات ساکنان، مراکز پلیس، بیمارستان‌ها و یک تیمارستان. اولش واقعاً فکرش را نمی‌کردم. وارد اودیسه‌ای بسیار طولانی و اغلب بی‌کران شده بودم.»

سطرهای بالا بخشی از مقدمهٔ دیوید برانسن<sup>۱</sup> بر کتابش یوزف روت یک زندگی‌نامه<sup>۲</sup> است. پس از چهل سال هنوز می‌توان این کتاب را شایستهٔ عنوان جامع‌ترین زندگی‌نامهٔ یوزف روت دانست. این اثر ۷۱۳ صفحه‌ای بی‌نظیر حاصل ده سال پژوهش موشکافانه در زندگی و آثار روت است. دیوید برانسن فقید در طول نگارش زندگی‌نامهٔ روت به این نتیجه رسیده بود که گویی با چند یوزف روت مواجه

1. David Bronsen (1926-1984)
2. David Bronsen, *Joseph Roth Eine Biographie*, Kiepenheuer & Witsch, 1974.

است و نه یکی.<sup>۱</sup> او در پایان مقدمه کتابش می نویسد: «از دل اظهارات زنان زندگی روت و معاشران، نویسندگان، ناشران، پروفیسورها، روزنامه نگاران، هتل داران، پیش خدمت ها، پلیس ها، پزشکان، روان پزشکان، بازیگران، سیاستمداران، کارمندان، پژوهشگران تلمود و روحانیان، سرگذشتی بی اندازه هیجان انگیز درآمد که من در تمام طول سال های پژوهش و نگارش از آن رهایی نداشتم.»

پس از درگذشت یوزف روت بین دوستان و نزدیکانش بحث در گرفته بود که باید او را بر طبق آیین کاتولیک به خاک سپرد یا دین یهود. هر کدام از مدعیان دلایلی محکم برای خود داشتند. بسیاری از آنان خود را صمیمی ترین دوست یوزف روت می دانستند. در مراسم خاک سپاری او مهاجران آلمانی و اتریشی و دوستان فرانسوی باگرایش های گوناگون سیاسی و دینی شرکت داشتند. زندگی یوزف روت کاملاً این قابلیت را دارد که به رمانی قطور تبدیل شود؛ و شاید به نسخه ای تخیلی از زندگی نامه نوشته برانسن که گرچه از واقعیت خالی اما سرشار از حقیقت باشد؛ همچنان که روت نیز اعتنایی به واقعیت نداشت، حتی و به ویژه اگر آن واقعیت داستان زندگی او بود.

یوزف روت روزنامه نگاری پرکار و پرآوازه بود که همیشه در حسرت کنار گذاشتن روزنامه نگاری و پرداختن به ادبیات بود. بسیاری از رمان هایش پیش از آن که کتاب شود در قالب پاورقی منتشر می شد. بخش اعظمی از زندگی یوزف روت کولی وار و در سفرهای کاری به عنوان خبرنگار

1. Sara Fraimann, «Joseph Roth: Dichter des Offenen», *LBI Bulletin*, 76, (1987), Ss 35-50.

و پاورقی نویسی در این یا آن هتل می گذشت؛ اما توان آفرینندگی و تمرکز او حتی در سال های تبعید نیز ستایش دوستانش را برمی انگیخت.

۱۶ نوامبر سال ۱۹۳۶ در نامه ای به دوستش اشتفان تسوايگ می نویسد:

تنهایی زندانی در سلول به سختی به پای  
تنهایی من در کافه ای می رسد که در  
آن می نویسم. من نیازی به انزوا ندارم.  
منزوی هستم. [مثل این است که] به  
حلزونی بگویند باید برای خودش خانه ای  
اجاره کند.

و این خانه که همه جا به دوش می کشیدش چیزی جز زبان آلمانی نبود که آن را وطن خود می دانست. به قول خودش، دنیایش نوشتن بود و تا قلم بر زمین می گذاشت دیگر دنیا را نمی فهمید.<sup>۱</sup> لودویگ مارکوزه<sup>۲</sup>، فیلسوف و نویسنده آلمانی که از بهترین دوستان روت از بدو آشنایی شان در سال ۱۹۲۳ در برلین تا زمان وداعشان در پاریس بود، در کتابش، قرن بیستم من<sup>۳</sup>، درباره عادت و شیوه نویسندگی روت می نویسد: «دوست من، داستان سرای بزرگ، یوزف روت، [...] آن زمان هنوز جوانکی ظریف و موطلابی با

۱. نامه به اشتفان تسوايگ، ۱۷ فوریه سال ۱۹۳۶ در

*Briefe, 1911-1939, Hrsg. u. eingel. Von Hermann Kesten (Köln, Berlin, Kiepenheuer & Witsch 1970, S. 452.*

2. Ludwig Marcuse

3. *Mein Zwanzigster Jahrhundert*